

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Politikal

سیاسی

دپلوم انجنیر نسرين معروفی
۰۸ مارچ ۲۰۱۹

"نیاز نیست در لجنزار راه بروم تا ببینیم که لجن چیست"

خوانندگان عزیز: هدف در این نوشته بیان یکی از ده ها مصیبتی است که استعمارگران در هژده سال تجاوز به کشور ما به ارمغان آورده اند. یعنی به گفته بزرگان "مشت نمونه خروار است" و این را هم خوب می دانم که "نیاز نیست در لجنزار راه بروم تا ببینیم که لجن چیست"، با اوضاعی که در کشور و سرنوشت مردم ما حاکم است می توان به صراحت گفت که کشورهای امپریالیستی و اداره مستعمراتی، افغانستان را به یک لجنزار تبدیل کرده اند. در اینجا به خاطر هشتم مارچ روز جهانی زن خلاف سالهای گذشته این مرتبه با معذرت نمی خواهم تا این روز را به زنان ستمدیده جهان و به خصوص به ستمدیده ترین ستمدیدگان یعنی زنان افغانستان که با هزاران و کوهواره های مصیبت و رنج دست و پنجه نرم می کنند، تبریک بگویم، بلکه این مرتبه می خواهم از جمله تحولات هژده سال ارمغان کشورهای امپریالیستی که از ده ها مصیبت خانمانسوز و محرومیت اجتماعی که یکی آن کشاندن زنان، دختران و پسران افغان به فحشاء و اعتیاد است به همه انقیاد طلبان، به اداره مستعمراتی "غنی - عبدالله" خاین، پارلمان فساد پیشه، وزارت امور زنان بی کفایت، حقوق ضد بشر و دیگر دم و دستگاه های نظام فاسد و هم به کسانی که پس از گذشت هژده سال تجاوز هنوز هم نمی خواهند بپذیرند که کشورهای امپریالیستی و اداره فاسد ارگ کشور ما را به لجنزار تبدیل کرده اند، تبریک بگویم.

در صورتی که تاریخ کشور های تحت استعمار را چه در گذشته و چه هم در عصری که ما زندگانی می کنیم، از نظر بگذرانیم، به وضاحت دیده می شود که استعمار، دولتهای مستعمره و طبقات استثمارگر می خواهند تا برای حفظ و بقای خود به اشکال مختلف که یکی آن افزایش فقر است و آنها می توانند از این طریق تروریسم جنسی که در اروپا و امریکا همان پورنوگرافیت، ترور شخصیت، تروریسم مرگ تدریجی و همچنان بحران سازی مصنوعی را به حیث بهترین شیوه پیشبرد اهداف سیاسی و به زانو درآوردن کشور های مورد تجاوز و کشور های رقیب خود استفاده کنند. منظور از تروریسم مرگ تدریجی که ما در هژده سال تجاوز در کشور خود افغانستان شاهد آن هستیم، تقویت کشت مواد مخدر است تا از یک جانب خلقها را به آن معتاد بسازند و آنها را با ترور تدریجی به مرگ سوق بدهند و از جانب دیگر بتوانند اقتصاد کشور ما را به صفر تقرب بدهند تا مردم قادر نشود به سرمایه

های ملی و داشته های خود اتکاء کنند و دولت‌های دست نشانده آنها همیشه تحت فشار اقتصادی قرار بگیرند و متواتر دست‌گدائی به طرف آنها دراز نمایند.

دیگر این که تروریسم جنسی است، طبق گزارش داده شده بیش از ۹۰۰ زن فاحشه فقط در شهر کابل وجود دارد که به عنوان یک شغل زندگانی خود را به تن فروشی پیش می‌برند، البته این آمار رسمی است ولی معلوم نیست چه تعدادی از زنان با افزایش فقرمجبور می‌شوند تا به اینکار دست بزنند. علاوه بر آن تجارت برده های جنسی جهت گسترش فساد در افغانستان انتقال زنان چینی است که به بهانه های مختلف همه آنها وادار به تن فروشی شده اند. دخترانی که در هژده سال تجاوز در افغانستان تولد شدند به حیث نان آور فامیل با افتادن در گرداب فساد جنسی نه تنها دچار مشکلات صحتی می‌شوند بلکه بعضاً به واسطه درگیری های مختلف تهدید به مرگ و حتا قربانی امیال مشتی از انسانهای کثیف می‌گردند. پس گفته می‌توانیم که زنان و کودکان روز تا روز در یک اجتماع دشمنانه و خصمانه با تبعیضات سیاسی، اجتماعی و خانوادگی مواجه هستند. ضربات جسمی و روحی که از طریق تنفروشی به آنها وارد می‌گردد، جبران ناپذیر است. دخترانی پائینتر از سن هژده که دست به اینکار می‌زنند آنها به عنوان شغل به این کار می‌نگرند، چون در این سن و سال هیچ تجربه کاری دیگری ندارند. آنها تصور می‌کنند که فحشاء شغل آنهاست و باید از این طریق جهت تأمین زندگانی خود و فامیل پول به دست بیاورند.

طوری که می‌دانیم فحشاء از ابتدای تجاوز به کشور ما توسط نظامیان کشورهای غربی ابتداء جهت خوشگذرانی خود آنها به وجود آمد و بعداً توسط نوکران و حامیان آنها که نه وجدان دارند و نه هم شرافت به حیث منبع عایداتی و هم جهت برآورده ساختن نیازهای جنسی و منافع قوای نظامی و قدرتهای مالی گسترش داده شد. پس دیده می‌شود که حامیان و نوکران امپریالیستها بخوبی نقش سرباز های پیاده را که تقویت تروریسم جنسی، تروریسم مرگ تدریجی است، بازی می‌کنند تا به باداران خود خوش خدمتی نمایند. علاوه بر آن آنها مراکزی را در شهر کابل و بعضی شهر های دیگر افغانستان به وجود آورده اند که پسران و مردان می‌توانند در آنجا برای استفاده جنسی دختران و زنان مراجعه کنند. این هدیه استعمارگران برای زنان و دختران افغانستان است که کمتر در رسانه های غربی از آن گزارش داده می‌شود. پس دیده می‌شود که امروز شرافت، وجدان و ناموس وطن و مردم در بازار سرمایه قابل خرید و فروش است.

قوانین مردسالارانه ای که امروز بر سرنوشت زنان و دختران افغان حاکم است توسط مشتی از مدافعان قوانین عقب مانده دینی و مذهبی که فقط سلطه مردان نسبت به برده های جنسی است، یعنی جایگاه زنان طبق قانون فاقد حقوق شایسته انسانی و اولیه آنها نسبت به مردان می‌باشد، وضع شده است.

درد و غم، مشکلات و نابسامانی های اقتصادی، اجتماعی زنان یکی دو تا نیست طوری که قبلاً تذکر دادم، کوهواره ای است که آنها را در خود پیچیده است، لذا روی آوردن زنان و محرومان به کار های کاذب، معتاد شدن به مواد مخدر، ریا کاری، دروغگوئی، اختناق ارمغان هژده سال تجاوز است و از همه مهمتر که تهدید فقر و محرومیت اجتماعی کودکانی که باید سرنوشت آینده کشور را به دوش بگیرند، آنها را از درس و تحصیل و رسیدن به یک آینده بهتر محروم می‌کند در عوض هزاران کودک بی سرپناه را در جاده های ناامن و در میان زباله ها به خصوص در شهر کابل می‌کشاند. آنها مجبور هستند تا کار کنند و یا این که دست به گدائی بزنند و یا هم در زباله ها در جست و جوی پیدا کردن قوت لایموت شوند و از همه دردآورتر که کودکان مورد سوء استفاده جنسی قرار می‌گیرند.

پس دیده می‌شود که زنان افغان نه تنها رنج و مصیبتی را که دامنگیر خود آنهاست، متحمل می‌شوند بلکه رنج و بدبختی های دختران و پسران خود را هم باید به دوش بکشند. مصیبت و بدبختی های زنان و کودکان نماد جامعه

ای است که امپریالیستها به کمک حامیان خود بنیادش را گذاشته اند و آنقدر گسترش داده شده است که مقامات دولتی با بی شرمی و بی حیائی آن را کتمان نمی کنند و حتا دزدی و وطنفروشی و خیانت و جاسوسی را تحت به اصطلاح خدمت به مردم، افتخار خود می دانند. پس باید گفت که اینها وقایع تاریخی وحشتناکی است که هر ده سال تجاوز به کشور ما را تصدیق می کنند

لذا هر قدر که انسان به قضایای هر ده سال تجاوز یعنی به وعده های بیجا و فریبنده آنها، به برآورده نساختن ضرورت های زندگانی عادی میلیون انسان ستمدیده و درد مند به خصوص زنان و کودکان افغان به زندگانی زیر فقر آنها به قتل و قتال و فحشاء، اعتیاد و غارت دارائی های ملی که حق مسلم خلقهاست، تعمق نماید، شناخت انسان از سرمایه بیشتر می شود. طوری که آشکار است، در سیستم سرمایه داری قدرتمندان فقط به فکر ازدیاد سرمایه هستند ولو که به قیمت جان میلیونها انسان و هزاران مصیبت بر آنها هم تمام شود، هیچ یک در صدد رفع مصائب اجتماعی و اقتصادی خلقها نبوده و نیستند. در کشور ما همه جاسوسان و وطنفروشان که چه از داخل و چه هم از خارج کشور به کار گماشته شده اند، فقط می دزدند و غارت می کنند و خوش می گذرانند و خلقها را به تباهی سوق داده و می دهند.

پس می توانم به صراحت بگویم که یکی از اهداف امپریالیسم و ارتجاع گسترش فقر، تبلیغ و پایبند کردن زنان به قوانین و عنعنات کهنه و پوسیده دینی و مذهبی است تا نصف جامعه در عدم دانش و بینش قادر نشوند از حقوق حتا انسانی خود دفاع کنند و خود را از قید و بند های جامعه ای که استعمار به کمک ارتجاع به جود آورده است، آزاد بسازند. طوری که ما شاهد هستیم زنان در هر ده سال تجاوز به کشور ما از نبود امکانات اولیه زندگانی از آزادی و حقوق انسانی محروم بوده اند. پس با شرایط حاکم آزادی و حقوق انسانی ستمدیدگان در کشور های مانند افغانستان زمانی تحقق پذیر است که جهت درهم کوبیدن نظام سرمایه داری مبارزه و مقابله کرد. پیشبرد مبارزه و مقابله وظیفه وجدانی و مبارزاتی ماست و اما کار و فعالیت امروز و فردا نیست، انسان باید در این راه سنگ خارا باشد.